

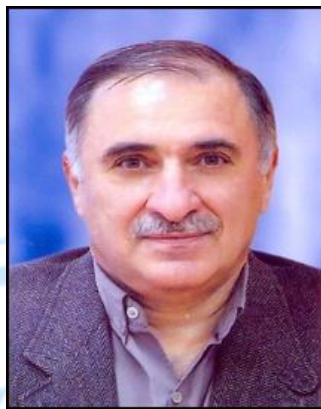
بی‌اخلاقی‌ها در نظام آموزش عالی ایران

دکتر حسین معماریان

(استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه کانادا)

زمان:

8 شهریور ماه 1395



معرفی

در ابتدای جلسه از آقای دکتر سبحانی خواسته شد تا خلاصه‌ای از زندگی‌نامه علمی و پژوهشی این بزرگوار را بیان دارند و ایشان چنین گفتند:

دکتر معماریان از مفاخر مملکت ما هستند من هر روز در محیط کاری که ارتباط نزدیک با ایشان دارم، یک لیاقت و صلاحیت جدید می‌بینم، که خیلی تحسین برانگیز است. رشته اصلی ایشان زمین‌شناسی مهندسی است مراحل مختلف تحصیل را در کانادا و استرالیا گذرانده‌اند. ایشان در دانشکده فنی دانشگاه تهران دانشجویان زیادی، که امروز باعث افتخار ما هستند، تربیت کرده‌اند، و نمونه تمام هستند و بی‌دلیل نیست که کرسی یونسکو را به ایشان واگذار کرده‌اند. ایشان از این موقعیت نیز برای ارتقای آموزش مهندسی، حداکثر استفاده را به کار گرفته‌اند. ایشان سازوکار نوینی برای ارزشیابی آموزش مهندسی کشور تدوین کرده‌اند، که مورد عنایت وزارت علوم بوده و در دانشگاه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

آغاز سخن

مفتخر هستم که هم‌اکنون در انجمن اخلاق هستم و از آقای دکتر شامخی تشکر می‌کنم که از من دعوت به عمل آوردند تا در ارتباط با بی‌اخلاقی‌ها در آموزش عالی سخنرانی داشته باشم. با چند اسلاید و عکس از مرحله اول سخنرانی سعی می‌کنم سریع عبور کنم تا به مبحث اصلی برسم.

این یک نمونه از تقلب است که سال‌ها پیش یکی از شاگردانم تهیه کرده بود این تقلب برای من بسیار جالب بود چون هرچه قدر این کاغذ کوچک و باریک را باز می‌کردم باز هم دنباله داشت. لذا تصمیم گرفتم آن را قاب کنم و به عنوان یک کار هنری و خلاقانه در اتاق کارم نصب کنم! البته از نظر من تقلب کردن یک بی‌اخلاقی به نسبت کوچک در نظام آموزش عالی کشور است و قابل پیش‌گیری است. مشکل اصلی ما این بی‌اخلاقی‌های کوچک نیست، بلکه معطل امروز آموزش عالی در سطح کلان‌تر جامعه دانشگاهی است. مشکلات عمده در آموزش عالی را به دو قسمت اصلی و مهم تقسیم می‌کنم:

1- بی‌اخلاقی در کتاب‌سازی و پژوهش‌نمایی در آموزش عالی

2- بی‌اخلاقی در برنامه‌ریزی آموزش عالی (ضعف مدیریت آموزشی)

تمایز بین خوبی و بدی یا تعبیت کردن و نکران از خوبی و بدی‌ها را اخلاق می‌گویند. اخلاق مهندسی قراردادی بین اخلاق و کار است و اگر قرار است از مزایای یک حرفه برخوردار شویم باید ملزم به رعایت اخلاق در آن حرفه هم باشیم. بنابراین اخلاق در کار، اخلاقی است که از عرف، قانون و حرفه باید تبعیت کند و همچنین یک دستورالعمل است. اگر کسی از یک حرفه استفاده می‌کند ملزم به رعایت اخلاق آن حرفه هم باید باشد برای مثال: در شعر یک شاعر و یا متون دینی و ... این قانون‌ها و مسائل اخلاقی باید رعایت شده باشند، در شعر شاعر صحبت از اخلاق فردی است و این تصور عمومی بوده است که اگر فرد خوب باشد جامعه هم خوب می‌شود. وقتی ما با مشکل کلان‌تر مواجه هستیم مثل تصمیم فرد در خانواده و برای جامعه کوچک نیست، بلکه این تصمیم در سطح کلان جامعه است که باید پیاده شود، برای مثال من پدر یک خانواده هستم می‌توانم مقداری از پول خود را ببخشم یا هرطور که دلم می‌خواهد خرج کنم، ولی وقتی در جامعه مسئولیت و پستی دارم و وکالت افراد زیادی برعهده من است دیگر این اجازه را ندارم که به هر شکل که دلم می‌خواهد پول را خرج کنم بلکه باید نگاهم در سطح کلان‌تر جامعه باشد، برای مثال یک رئیس دانشگاه نمی‌تواند به هر شکل که دلش می‌خواهد پول دانشگاه را خرج کند، این جاست که معنای انصاف و سخاوت در اخلاق و کاربرد عمومی آن در مسائل کلان‌تر جامعه معنا پیدا می‌کند.

اخلاق در حوزه‌سنستی اخلاق فردی بوده است در شعر در دین در سنت همه موارد اشاره شده اخلاق فردی بیشتر مد نظر بوده است و تصور این که فرد خوب باشد جامعه هم خوب می‌شود را جامعه‌شناسان امروزی صددرصد قبول ندارند و می‌گویند موضوع کلان‌تر و تصمیم‌گیری‌های نهادهای دولتی و غیره ماندگاری بیشتر دارد برای مثال تصمیم فردی می‌تواند قسمتی از مال خود را ببخشد ولی حاکم شد نمی‌تواند ببخشد و این اثر کند جنس اخلاق فردی با اخلاق اجتماعی و جامعه خیلی با هم فرق می‌کند، چون در جامعه وکیل یک گروه هستیم و تصمیم‌گیری فرق می‌کند بنابراین اخلاق عمومی و اخلاق فردی خیلی با هم فرق می‌کنند، در فردی شاید سخاوت معنای خوبی داشته باشد، همان‌گونه که در مثال‌های بالا مطرح شد ولی این سخاوت در سطح کلان و بزرگ‌تر جامعه شاید بد باشد چون خیلی‌ها از عملکرد ما در این سخاوت شاید راضی نباشند.

شفافیت در اخلاق خیلی مهم است. وقتی در اخلاق شفافیت داشته باشیم، خیلی از مسائل به خودی خود حل می‌شود. برای مثال اگر در شرکتی که هستیم پروژه‌ای آورده شود. اگر آگاهی و اطلاعات هر دو طرف مساوی باشد، دیگر سوء استفاده‌ای در کار نخواهد بود؛ ولی اگر اطلاعات یک طرف بیشتر از طرف دیگر باشد، امکان دارد سر طرفی که اطلاعات کمتر دارد کلاه‌گذاشته شود و در پروژه ضرر و زیان بدهند؛ یا به‌اندازه طرفی که اطلاعات بیشتری دارد سود نبرد. باید مسئولیت‌پذیر باشیم و مسئولیت کارهایمان را بپذیریم و الگوی مناسب را در نظر بگیریم، و فکر کنیم که آیا با این الگو بهره‌وری بالا می‌رود و جامعه پیشرفت می‌کند؟!

صحبت در اخلاق مهندسی را می‌توان در دو حوزه اخلاق فردی و اخلاق کلان جامعه به پیش برد، اخلاق با کارفرما، اخلاق با دانشجو، اخلاق با دوست در حوزه اخلاق فردی است که شامل راستگویی، امانت‌داری، من به طور کلی اخلاق فردی را به سه مبحث مهم تقسیم بندی می‌کنم:

1- صداقت (باید در عمل و کار صادق باشیم مثلاً اگر پروژه ساختمانی را داریم باید حرف و عمل‌مان در کارها یکی باشد از مصالحی که به کار می‌بریم زمانی که قولش را داده‌ایم تحویل دهیم و ...)

2- تضاد منافع (هر کاری در اخلاق فردی می‌کنیم تضاد منافع نباشد برای مثال از یک شرکت به شرکت دیگر خبر نبریم و رازدار باشیم و...)

3- افشاگری (موقعی به چیزی برخورد می‌کنیم که منافع و سلامت عمومی جامعه به خطر می‌افتد باید افشاگری کرده و واقعیت را بازگو کنیم و نباید به خاطر حقوق خوبی که می‌گیریم سکوت کنیم مثلاً اگر پسماندی در چاه آبی ریخته می‌شود صلاح این است که سریع افشاگری کنیم به شکلی که به خود صدمه نزنیم با سیاست و درایت باید کارها را انجام دهیم)

حال از اخلاق فردی می‌گذریم و به مسئله خیلی مهم‌تر و کلان‌تر که اخلاق کلان جامعه است می‌پردازیم آیا با مسئولیتی که من به عنوان مهندس و فناوری در قبال جامعه دارم در مورد اخلاق کلان را رعایت می‌کنم در اینجا من به جا می‌دانم که اخلاق کلان را نیز به 1- توسعه پایدار و 2- فناوری‌های جدید تقسیم‌بندی کنم.

1. توسعه پایدار که شامل توسعه الف) توسعه زیستی ب) توسعه اقتصادی پ) توسعه محیطی

2 فناوری‌های جدید را در مسائل اخلاقی جامعه در نظر داشته باشیم.

مثلا اگر سد می‌سازیم پایدار باشد، در هر رفتاری که می‌کنیم، مسائل کلان جامعه را در نظر داشته باشیم مثلا اگر فناوری جدید می‌آوریم آیا باعث می‌شوند که خیلی‌ها بیکار شوند و در خلق و آفرینش چه آینده‌ای برای جامعه خود هستیم در فناوری‌های جدید آیا محیط زیست را در نظر داریم آیا این فناوری جدید به محیط زیست آسیب وارد می‌کند یا نه و در کل باید جامعه را از نگاه زیست محیطی و عواقب این فناوری بررسی کنیم. ما به این مسئله باید بیشتر توجه کنیم که پاشنه آشیل بیشتری داریم.

هر انجمن مهندسی یک مرام‌نامه و اصولی دارد باید قوانین و اصول را رعایت کنیم، اگر رعایت نکنیم، مؤاخذه می‌شویم و باید پاسخگو باشیم.

مشکلات مهم و موجود آموزش عالی

مشکلی که هم‌اکنون آموزش عالی با آن مواجه است، رشد بی‌رویه آموزش عالی در دهه 80 به بعد می‌باشد، جمعیت آموزش عالی و رشد بی‌رویه آن در دهه 80 به بعد را آیا می‌توان به عنوان یک بی‌اخلاقی در آموزش عالی به شمار آورد؟ آیا بی‌اخلاقی در سطح کلان جامعه بوده است یا نه؟ آیا کشورهای پیشرفته دیگر دنیا به اندازه ما رشد داشته‌اند؟ با تحقیق و بررسی به عمل آمده هاروارد در یک دهه فقط 10٪ رشد داشته است. ولی دانشگاه‌های ما در دهه گذشته با رشد چند برابری دانشگاه هاروارد بوده‌اند.

متأسفانه در بررسی که به عمل آمده فقط در رشته فنی و مهندسی در سال‌های 92-93 با رشد 31٪ مواجه بوده‌ایم در دانشگاه آزاد 35٪؛ 13/5٪ وزارت علوم؛ 66٪ پیام نور

فرهنگیان و ... همین‌طور رشد چشمگیری داشته‌اند.

ما در پذیرش دانشجوی مهندسی سومین در دنیا هستیم.

ایران 5 برابر کشورهای پیشرفته دانشگاه دارد!!

5 میلیارد بودجه کشور و 50٪ بیکاران کشور را داریم. چقدر تحصیل کرده بیکار امروز در جامعه داریم که نتیجه عدم مدیریت مدیران گذشته بوده‌اند.

تعداد صندلی‌ها برابر شده با تعداد دانشجو

در دانشگاه آزاد دانشجوی رشته کارشناسی نداریم برای جبران هزینه مجبور شدیم دانشجوی دوره دکتری بگیریم که جبران هزینه‌ها شود.

با این دانشگاه‌ها و استادها و هزینه‌هایی که داریم و 600 دانشگاهی که داریم برای جبران هزینه‌های آنها چه راه حلی داریم و چگونه می‌توانیم الان این دانشگاه‌ها را جمع کنیم آیا این کار عملی و شدنی است؟

این یک بی‌اخلاقی در برنامه‌ریزی و برنامه کلان جامعه است که امروزه ایجاد مشکل و معطل کرده است. این همان مسئله‌ای است که در ابتدای سخنرانی به آن پرداختیم که ایتار در مال شخصی می‌توانم بکنم ولی وقتی وزیر و وکیل مردم شدم نمی‌توانم بدون فکر پول خرج کنم. و این بی‌فکری‌ها معطلات امروز را به وجود آورده است.

راه‌حل اکثر این دانشگاه‌ها پولی هستند بیش از 90٪ حال وظیفه پدر و مادر است باید انتخاب کنند که پولشان را در اختیار کدام دانشگاه قرار می‌دهند.

حال باید فکری کرد به همین علت من پیشنهاد سیستمی کردم برای ارزشیابی دانشگاه‌ها که همه دانشگاه‌ها ارزش‌یابی شوند کاری که در دیگر جاهای دنیا صورت گرفته است و این پدرمادرها باشند که انتخاب کنند کدام دانشگاه در رتبه بالای ارزشیابی قرار گرفته و حال که این هزینه را می‌خواهند پرداخت کنند به دانشگاهی بدهند که مدرکش از ارزش بیشتری برخوردار است و به این ترتیب به طور اتوماتیک و خودکار آن دانشگاه‌ها که از ارزش پایین برخوردار هستند وقتی دانشجو نداشته باشند و کسی به آنها مراجعه نکند به صورت اتوماتیک تعطیل و جمع می‌شوند و از صحنه خارج می‌شوند متأسفانه ما در دانشگاه‌ها بیشتر پژوهشگر پرورش داده‌ایم و دانشجویی پرورش و تربیت نکرده‌ایم که در شرکت ماکروسافت و یا در MIT هاروارد مشغول به کار باشند یا به ندرت بوده و خیلی کم است چون دانشجوی ما پژوهشگر بوده و به صورت عملی کار نکرده است.

بنابراین ما مؤسسه‌ای تأسیس کردیم و دانشگاه‌ها را ارزشیابی می‌کنیم خود دانشگاه‌ها با آمار و اطلاعاتی که در اختیار ما قرار می‌دهند و ما براساس داده‌های آنها این دانشگاه را ارزیابی می‌کنیم این ارزش‌یابی وقتی معنا پیدا می‌کند که خارج از سیستم خودشان ارزشیابی شوند وقتی وزارت علوم بخواهد آنها را ارزشیابی کند هیچ فایده‌ای ندارد. در مدیریت کلان می‌توانیم سوء اخلاقی داشته باشیم نگاه ما توسعه پایدار نبوده است بیشتر اتفاقات پیش آمده به ناچار پیش آمده و سوء نیتی در آن نبوده است و شاید با حسن نیت هم بوده است، ولی نگاه ما نگاه کلان نبوده و نگاه فردی بوده است و اخلاق کلان جامعه را در نظر نگرفته‌ایم.

حال نگاهی به معضل و مشکل دیگر در نگاهی ساده و گذرا در گوگل مؤسساتی که در زمینه پایان‌نامه، کتاب و پژوهش و تحقیق کار می‌کنند بیندازیم من در پرینت سطحی که گرفته‌ام و پیش روی شما است شش صد هزار مورد و 475000 مؤسسه را پیش روی خود دیدم که کتاب، پایان‌نامه، پروپزال، مقاله و... تهیه کرده و در مقابل پول به شما می‌دهند. مقاله‌ای در مجله‌اندیشه پویا آماری از سفارش این پایان‌نامه در دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری داده بود ارائه کرده است.

با صحبتی که با مسئول یکی از موسسات داشتیم ابزار کرد که 90٪ این مقالات برای سمینار سفارش داده می‌شوند.

حال به آمار وحشتناک تحصیل کرده‌های بیکار جامعه نگاهی بیندازیم.

یکی از افرادی که در این مؤسسات کار می‌کرد فوق‌لیسانس بود و گفت در مقاله مقالاتی که می‌نویسم پول می‌گیریم کار نیست چه کار کنم.

تهیه این کتاب‌ها، پایان‌نامه، مقالات سه طرف دارد 1- تولیدکنندگان 2- مصرف‌کنندگان 3- حلقه واسط که انجام می‌دهند.

انتقاد کردن خیلی راحت است، متأسفانه اشکالات خیلی زیاد است اگر ارزیابی صورت نگیرید در آینده به کجا خواهیم رسید؟

باید در عرضه و تقاضا وارد شویم در سیستم‌های بیرون از خارج وارد شویم مثل کشور کانادا همان برنامه‌هایی که آنجا برای آموزش عالی انجام شده و جواب مثبت گرفته‌اند.

برای مبارزه با تقلب علمی فکر می‌کنم همین پیشنهادها و راهکارهای مطرح شده باشند. مجازات یا بستن دردها هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و نمی‌شود با مجازات و تنبیه این معطل را مدیریت کرد. جان کلام اینکه باید خود دانشگاه‌ها مشکل را حل کنند بین مؤسسات و دانشگاه‌ها ارتباط ایجاد شود. دانشجو مناسب با نیاز جامعه باشد. اگر قرار باشد در این مؤسسات بسته شوند همه زیرزمینی می‌شود و پنهانی کار انجام می‌دهند آیا می‌شود جلو مواد مخدر و تریاک را بست که تریاکی هم کم شوند باید راه‌کارها فراتر و در زمینه فرهنگ‌سازی بیشتر فعالیت داشته باشیم.

ضمناً در اختیار و جزء وظایف ما نیست که بتوانیم به علت این خلاف‌ها دانشجو را اخراج کنیم ناگفته نماند که حافظه تاریخی کوتاه مدت است و این امر نیز به فراموشی سپرده شده و پاسخگوی مشکل ما نیست. باید روی حلقه واسط و استاد کار شود حافظه تاریخی استاد در مدت خدمت 30 سال است اگر استادی به خاطر عدم دقت و سهل‌انگاری در کار جریمه شود به نظرم این نتیجه بهتری می‌دهد مثل کشورهای پیشرفته دیگر چرا وقتی استادی خلاف می‌کند با آن برخورد نمی‌شود. گاهی وقت‌ها دیده می‌شود که یک استاد در یک زمان چندین دانشجو برای دفاع گرفته نه وقت می‌کند هفته‌ای یک جلسه تا دفاع با او داشته باشد نه وقت راهنمایی و نه دقت در منابع و موضوع دارد پیشنهاد می‌شود همان‌گونه که یک کارمند خلاف می‌کند در دیوان عدالت اداری به خلاف او رسیدگی می‌شود و جایی باید پاسخگو باشد یا یک فردی در ارتش مرتکب خلاف می‌شود به خلاف او رسیدگی می‌کند و اشتباهش بی‌پاسخ نمی‌باشد باید چنین سیستمی در نظام آموزش عالی کشور نیز باشد.

هر استاد به اندازه توانایی و وقتش مسئولیت پذیرش دانشجو و موضوع را بگیرد تز به استاد تحویل داده می‌شود استاد هیچ وقت نگذاشته می‌گوید خوب است برو روی موضوع کار کن بعد بقیه داستان مؤسسات و سفارش دانشجو به این مؤسسات برای آماده کردن پایان‌نامه یا مقاله ...

در مورد این ناراستی پیشنهاد این است که تأکید بر استاد باید بیشتر باشد باید گذاشت تا یک دهه رشد با دکنکی درجه 2 آموزش عالی‌ها و همچنین به ناچار مجبور بودیم برای این دانشجویان استادهای درجه 2 استخدام کنیم آیا این جزء بی‌اخلاقی نیست و جزء دسته بندی فساد است یا نه باید قوه قضائیه نظر دهد که بی‌اخلاقی فقط در تقلب کردن دانشجو است یا در برنامه‌ریزی کلان نیز این بی‌اخلاقی در سطح وسیع‌تر دیده می‌شود. اگر نگاهی به 7-8 سال گذشته داشته باشیم برای بالا بردن رتبه علمی ایران راه حلی که انجام شده زیاد شدن دانشجوی دوره دکتری است که این دانشجویان paper بیشتری تولید کردند

با استادهای درجه دویی که داشتند و تولید علمی رفت بالا نزدیک 4000 مقاله چاپ شد آیا به این شکل نگاه کردن به آموزش عالی درست است نگاه توسعه یا نگاه توسعه پایدار کدام درست است.

پیشنهاد خام اولیه این است که وزارت علوم تمرکز بیشتر بر روی استاد داشته باشد و به بیرون از آموزش عالی دل نبندد و شروع به حل مشکل از درون خود کند آن هم از استاد شروع شود نتیجه بهتری می‌دهد.

اگر فوق لیسانس ارزیابی درست شد بعد شروع به گرفتن دانشجوی دکتری کنیم همچنین اگر دانشجوی دوره کارشناسی ارزیابی شد و این ارزیابی نتیجه مثبت و خوبی داشت دانشجو در زمینه کارشناسی ارشد گرفته شود. فقط پرکردن صندلی دانشگاه‌ها نباشد فقط درآمدزایی در نظر گرفته نشود.

اما اگر ارزیابی در هر مقطع بد بود باید در آن دانشگاه بسته شود فرقی نمی‌کند اگر شخصی شایستگی داشته باشد چه از روستا و چه از شهر حق گرفتن مدارج بالای علمی را دارد در غیر این صورت از ورود افراد نالایق جلوگیری شود ما مسئول هستیم به بچه‌های مردم مدرکی که استاندارد شده است در مقاطع مختلفی تحصیلی چه کاردانی چه کارشناسی چه ارشد و دکتری بدهیم.

اگر استادی خلاف کار کرد و در کارش سهل‌انگاری کرد در رتبه خود تنزل پیدا کند. خیلی پیش آمده که پایان‌نامه‌ها تقلبی و مشکل داشته‌اند آیا تاکنون با استاد برخورد شده است. باید تمام پایان‌نامه در سایت جمع‌آوری شود مثل مقالات تا کپی و تقلبی بودن آنها مشخص شود. همه چیز باید شفاف و باز باشد آبراهام مازلو آمریکایی برای اخلاق باید شرایط اخلاقی مهیا شود آدمی که گرسنه است به اولین چیزی که فکر می‌کند غذا و سیر کردن شکم خود است...

باید دروغ نگوئیم باید جامعه شرایطی باشد که در آن بی‌اخلاقی صورت نگیرد شاید در ایران خیلی به چشم دیده اید که خیابان یک‌طرفه یا پیاده رو ماشین خلاف می‌رود و می‌رویم آیا در خیلی از کشورهای پیشرفته دنیا کسی جرأت این کار را دارد اول با برخورد و جریمه کار را شروع کردند بعد از مدتی شد عادت اول با جریمه کمربندها اجباری شد بعد از گذشت سالیان طولانی اکنون به عنوان یک امر واجب که تا در ماشین می‌نشینند دستشان به کمربند می‌رود و آن را می‌بندند. فرزندان که در این کشورها به دنیا می‌آیند دیگر مثل خوردن و آشامیدن یا هر کار عادی و واجب کمربند بستن نیز جزئی از وجودشان شده است. و در ضمیرشان رسوخ کرده است. به گفته آقای مازلو در زمین شوره تخم به بار نمی‌آید. شرایط اخلاقی را درست کنیم بقیه مسائل به مرور زمان حل می‌شوند.

در سخن پایانی مهندس معماریان با این شعار سخنرانی خود را به پایان رساندند:

گذار از توسعه کمی به ارتقای کیفی شعار ملی است

سال تاسیس

۱۳۸۳